

بررسی رابطه تفکر قطعی نگر با خلاقیت و خلاقیت هیجانی

مریم کوپایه ئیها^۱

افضل السادات حسینی^۲

ویدا رضوی نعمت‌اللهی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۵

چکیده

زمینه: موانع خلاقیت به طور کلی به چهار دسته موانع تاریخی- فرهنگی، موانع اجتماعی- محیطی، موانع سازمانی و موانع شخصی تقسیم می‌شوند. در بررسی موانع شخصی خلاقیت، موانع شناختی از مهم‌ترین موانع به حساب می‌آید که در این میان مدل‌های ذهنی نقش بارزی را در ایجاد مانع شناختی برای خلاقیت ایفا می‌کنند.

هدف: پژوهش حاضر به بررسی رابطه تفکر قطعی نگر با خلاقیت و خلاقیت هیجانی در میان دانشجویان پرداخته است. جامعه آماری شامل همه دانشجویانی است که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. از میان آنها، ۲۰۰ نفر به روش خوشه‌ای - تصادفی انتخاب شدند.

۱. دانشجوی کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات کرمان- کرمان- ایران.

(نویسنده مسئول) mkoohpayei@gmail.com

۲. استاد راهنما و دانشیار دانشگاه تهران afhoseini@ut.ac.com

۳. استاد مشاور، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان vidarazavi2010@yahoo.com

روش: روش پژوهش، پیمایشی است و ابزار پژوهش شامل پرسشنامه خلاقیت عابدی، پرسشنامه تفکر قطعی نگر و فهرست خلاقیت هیجانی بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده انجام گرفت.

یافته‌ها: بین خلاقیت و تفکر قطعی نگر رابطه معکوس و معنادار وجود دارد (۰/۴۰-). همچنین، از میان مؤلفه‌های تفکر قطعی نگر، رابطه مطلق نگری و قطعی نگری در حوادث منفی با خلاقیت معنادار و در جهت عکس می‌باشد. ضمن اینکه رابطه دو مؤلفه پیش‌بینی آینده و قطعی نگری در تعامل با دیگران با متغیر خلاقیت، معنادار گزارش نشده است. به علاوه، رابطه تفکر قطعی نگر با خلاقیت هیجانی (۰/۴۷-) معنادار و معکوس است. همچنین، از میان مؤلفه‌های قطعی نگری، مؤلفه‌های قطعی نگری در تعامل با دیگران، قطعی نگری در حوادث منفی و مطلق نگری با متغیر خلاقیت هیجانی، رابطه عکس و معنادار نشان داده‌اند و مؤلفه پیش‌بینی آینده، رابطه معناداری با خلاقیت هیجانی نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود در مورد انحراف شناختی تفکر قطعی نگر در سطح جامعه بیشتر آموزش داده شود و توصیه‌هایی از سوی محققین و کارشناسان برای برطرف ساختن این موانع ارائه شود.

کلید واژه(گان): تفکر قطعی نگر، تحریفات شناختی، خلاقیت، خلاقیت هیجانی.

مقدمه

از خصوصیات بارز انسان نیروی تفکر و اندیشه است که با استفاده از این نیرو توانسته است بر مسائل و مشکلات زندگی و طبیعت چیره شود و مسیر رشد و تعالی را پیماید. مسئله تفکر و شناخت از مباحث بسیار گسترده‌ای است که یکی از موضوعات آن که از مدت‌ها پیش نیز مطرح بوده امکان خطا در شناخت می‌باشد. به عنوان مثال به اعتقاد افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ پیش از میلاد) اگر آدمیان آنچه را از راه حواس تجربه می‌کنند، حقیقت بدانند محکوم به گذراندن یک زندگی با باور شخصی و آلوده به جهل هستند (هاوتون و همکاران، در قاسم زاده، ۱۳۸۹). شاخص‌ترین فردی که به این موضوع پرداخته آرون تی. بک (1976) مبدع درمان شناختی

(CT)^۱ است که شکل درمانی او مبتنی بر تصحیح فرآیند شناخت‌های معیوب می‌باشد. بک، قائل به وجود برخی خطاهای منظم در استدلال است و این خطاها را ناشی از فرآیندهایی چون تفکر معیوب، استنباط‌های غلط بر پایه اطلاعات ناکافی یا نادرست و ناتوانی در متمایز کردن خیال از واقعیت می‌داند. از نظر این دیدگاه آنچه بر واقع‌نمایی ذهن ما تأثیر می‌گذارد و در این رابطه دخالت دارد تحریف شناختی نام دارد که غالباً بر احساسات و رفتارهای اشخاص و حتی بر وقایع محیط تأثیر می‌گذارد (کری، در سیدمحمدی، ۱۳۸۹).

تحریفات شناختی انواع مختلفی دارد، مانند تفکر قطبی شده^۲، جداسازی گزینشی^۳، برجسب زدن و سوء برجسب زدن^۴ و غیره. در این تحقیق برای نخستین بار به بررسی تأثیر تحریفات شناختی بر خلاقیت پرداخته و نوعی از تحریف به نام تفکر تساوی گونه یا تفکر قطعی نگر انتخاب شده است. تفکر قطعی نگر به عنوان مادر تحریفات شناختی مطرح و سایر تحریفات شناختی نیز بیشتر به نحوی از این نقطه شروع می‌شوند و پس از تأیید شدن در این کانال اصلی (مادر همه تحریف‌ها) وارد کانال‌های فرعی دیگر در ذهن می‌شوند. تفکر قطعی‌نگر عبارت است از نوعی تحریف که حادثه و یا امری را با قاطعیت، مساوی چیز دیگری می‌داند و رابطه مثبتی با اضطراب و افسردگی و همچنین رابطه منفی با امید به زندگی دارد (یونسی، ۱۳۸۳). برای نمونه، افکاری مانند قبولی در کنکور سراسری مساوی با خوشبختی، رد شدن در کنکور سراسری مساوی با بدبختی؛ زیبایی در چهره مساوی با تداوم ازدواج، عدم زیبایی در چهره مساوی با عدم تداوم ازدواج؛ و یا ازدواج مساوی با محدودیت، عدم ازدواج مساوی با آزادی و ده‌ها مورد از تساوی‌های دیگر از نمونه‌های این تحریف هستند که روزانه بسیاری از افراد آن را به کار می‌برند، بدون توجه به این که توسط این قطعیت‌ها روابط خود را با محیط و حتی با خود را به صورت آسیب‌زایی تحت تأثیر قرار می‌دهند. انتخاب این نوع از

1. cognitive Therapy
2. polarized thinking
3. labeling and mislabeling
4. selective abstraction

تفکر به عنوان نوعی از تحریف بر اساس این اعتقاد است که در جهان خلقت هیچ چیز مساوی چیز دیگر نیست و آنچه به عنوان تساوی در ریاضیات و سایر علوم پایه مطرح است چیزی جز در مقام و مرحله ذهن نیست (یونسی، ۱۳۸۶).

از دیگر ویژگی‌های تفکر بشری برخورداری از قدرت خلاقیت و نوآوری است که به واسطه آن اختراعات بشر صورت پذیرفته است. روانشناسان معمولاً خلاقیت را شکلی از حل مشکل تعریف می‌کنند که خصوصیت آن ارائه راه‌حل‌های نو و مفید برای مشکلات علمی یا عملی است. تورنس (۱۹۶۷) تفکر خلاق را فرایند احساس خلاءها و اختلال عناصر غایب، شکل‌دهی ایده‌ها و فرضیه‌هایی درباره آنها، آزمودن این فرضیه‌ها، برآورد نتایج، تعبیر و آزمودن دوباره این فرضیه‌ها می‌داند. ورنون (۲۰۰۲) خلاقیت را توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، یا اشیایی جدید و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌ها که به وسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری شناخته شود و از لحاظ اجتماعی، زیبایی‌شناسی، علمی یا تکنولوژی با ارزش قلمداد گردد تعریف می‌کند. به اعتقاد گنورگی، خلاقیت یعنی نگاه کردن به همان چیزی که دیگران نگاه می‌کنند، ولی داشتن تفکری متفاوت از آنها؛ یعنی، خلاقیت دوباره نگاه کردن و خارج شدن از پشت درهای بسته است.

امروزه محققین می‌گویند خلاقیت از عواملی است که نه تنها آن را در حیطه نوآوری، هنر، آثار ادبی و غیره بلکه در حیطه زندگی روزمره و هیجانانگیز نیز می‌توان به کار بست. به عنوان مثال تورنس (۱۹۶۷) در تعریفی اندک متفاوت، خلاقیت را مهم‌ترین سلاح آدمی می‌داند که با آن می‌تواند فشارهای روحی ناشی از زندگی روزانه را کاهش دهد. آوریل (۱۹۹۹) عقیده دارد اغلب مردم در مورد خلاقیت از منظر هنری بحث می‌کنند، که مشخصه افراد خاص است. اما واقعیت این است که برای بیشتر مردم خلاقیت، بیشتر ناشی از حل صدها مشکلی است که هر روز با آن مواجه هستیم. به عبارت دیگر، وقتی احساس فشار می‌کنیم، یا زمانی که درگیری و مشکلی داریم و به نظر می‌رسد کسی به حرف ما توجهی ندارد، یا زمانی که می‌خواهیم به فردی چیزی جالب و هیجان‌انگیز را یاد بدهیم؛ آن موقع زمان بروز یک خلاقیت است و

عجیب تر آنکه، زمانی که در حالت هیجانی می‌باشیم خلاقیه کمتر در دسترس است؛ چرا که هیجان سیستم لیمبیک^۱ را در پایه مغزمان فعال می‌کند و این باعث انسداد قشر مغزی می‌شود؛ یعنی جایی که به عقیده عصب‌شناسان به‌ویژه «پل مک لین» مرکز خلاقیه و حل مشکلات زندگی در انسان می‌باشد.

در زمینه کاربرد خلاقیه در زمینه هیجان، نظریه‌ای با عنوان خلاقیه هیجانی مطرح است. گاتبزال (۱۹۸۶) عقیده دارد که خلاقیه هیجانی ساختار مهمی هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ کاربردی می‌باشد که بحث و بررسی در دو حوزه خلاقیه و هیجان را که به طور سنتی جدا از هم نگه داشته شده بودند را به ارمغان می‌آورد. خلاقیه هیجانی سطوح گوناگونی از خلاقیه در ابراز هیجانات است که در پایین‌ترین سطح خود کاربرد ویژه و اثربخش یک هیجان قبلی را در بر می‌گیرد. در سطح پیچیده‌تر، خلاقیه هیجانی، شامل تغییر- پیرایش- یک هیجان استاندارد می‌شود تا بتواند نیازهای فرد یا گروه را بهتر برآورده نماید و در عالی‌ترین سطح ایجاد شکلی جدید از هیجان را در بر می‌گیرد که بر پایه تغییر در قوانین و اعتقادات زیربنایی هیجانات استوار است. پژوهشگرانی نظیر رانک (۱۹۳۲)، کالینگ وود (۱۹۵۵)، هندریکس و هینفر (۱۹۸۶) و آوریل (۱۹۹۱) از اندک پژوهشگرانی هستند که به بعد هیجانی خلاقیه اشاره کرده‌اند (آوریل ۱۹۹۹).

آوریل (۱۹۹۱) بر اساس دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی‌اش سه معیار اصلی برای خلاقیه تعریف می‌کند که شامل نوآوری، کارایی و اصالت می‌باشد. از دیدگاه او برای این که یک پاسخ خلاق شود یا یک تغییر هیجانی خلاق صورت پذیرد باید این سه معیار، بسته به شخص و موقعیت، در ترکیب‌های گوناگون با هم جمع شوند. او عقیده دارد که علاوه بر لزوم وجود معیارهای سه‌گانه نوآوری، کارایی و اصالت، جنبه آمادگی نیز به عنوان یک عامل توصیفی باید به عوامل بالا اضافه شود.

1. Limbic system

همان گونه که اشاره شد در نظریه خلاقیت هیجانی به ارتباط خلاقیت و هیجان پرداخته می‌شود. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد معنای هیجان چنین آمده است: «هر تحریک یا اغتشاش در ذهن، احساس، عاطفه و هر حالت ذهنی قدرتمند یا تهییج شده». دانیال گلמן (۱۳۷۳) نیز لغت هیجان را برای اشاره به یک احساس، افکار، حالت روانی و زیستی مختص آن و دامنه‌ای از تمایلات شخص، برای عمل کردن بر اساس آن به کار می‌برد. عواطف وسیله صحبت بدن‌مان با ما است و به ما می‌گوید که بدن برای سلامتی و خوشبختی به چه نیاز دارد. مطالعات جدید بیش از پیش ارتباط واضح میان عواطف، شیمی مغز، خوشبختی، سلامتی و موفقیت‌های عمومی در زندگی را نشان می‌دهد. به‌طور مثال استیو هین در کتاب هوش هیجانی خود در بیان یافته‌های پژوهش‌های مربوط به هوش هیجانی بیان می‌کند که افراد با هوش هیجانی بالاتر، شادتر، سالم‌تر و در روابطشان موفق‌ترند. هم‌چنین هیجان در تمام اختلال‌های عاطفی معنای ضمنی دارد. روان‌گسیختگی دربرگیرنده تغییرات هیجانی است، روان‌آزردگی به اضطراب وابسته است، جامعه‌ستیزی ریشه در فقدان آشکار هیجان دارد، اختلال‌های روانی عمومی و انواع مختلف رفتار نابهنجار ریشه در مشکلات هیجانی دارند (گلמן، در بلوچ، ۱۳۸۸).

پژوهش‌ها نشانگر آن است که خلاقیت یک امر صرفاً ذاتی نیست بلکه عوامل گوناگونی در شکل‌گیری شخصیت مستعد رفتار خلاق و افزایش خلاقیت در اشخاص نقش دارند. این عوامل را می‌توان به صورت عوامل فردی و محیطی دسته‌بندی کرد. عوامل فردی عبارتند از توانمندی‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، سبک شناختی. یکی از مهم‌ترین عوامل فردی تأثیرگذار بر خلاقیت عامل شناختی است. جیمز و آسموس از پژوهش‌خویش که بر روی ۴۱ دانش‌آموز انجام دادند نتیجه گرفتند که در شکل‌گیری خلاقیت، مهارت‌های شناختی اثر به‌سزایی دارند (دوبونو ۱۳۸۸). گیلفورد (۱۹۵۲) نیز دو نوع سبک تفکر را معرفی می‌کند و معتقد است که سبک تفکر واگرا ارتباط مستقیمی با خلاقیت دارد. تفکر واگرا عبارت است از فرایند ترکیب و نوآوری اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت. افرادی که تفکر واگرا

دارند برخلاف افراد دارای تفکر هم‌گرا، در فکر و عمل خود با دیگران فرق دارند و از عرف و عادت دور شده و روش‌های خلاق و جدید را بکار می‌برند.

در این میان باید توجه داشت که شناخت هم به صورت عامل تأثیرگذار و هم به صورت مانعی برای ظهور خلاقیت نقش بازی می‌کند. موانع به آن دسته از عواملی اطلاق می‌شود که در صورت وجود آنها، ظهور و بروز خلاقیت‌ها به تأخیر افتاده و یا گاهی عقیم می‌شوند و به طور معمول آنها به عنوان نیروهای بازدارنده عمل می‌نمایند. دویونو (۱۳۸۸) در کتاب خود موانع خلاقیت را در چهار گروه کلی تقسیم بندی نموده که عبارتند از موانع تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، سازمانی، فردی.

موانع فردی عبارتند از:

الف: موانع احساسی - هیجانی خلاقیت، شامل: ترس از شکست یا ریسک‌گریزی، عدم تحمل مسائل مبهم، تمایل به قضاوت در مورد ایده‌ها، در برابر تولید ایده‌های جدید، ناتوانی در سپردن موضوع به ضمیر ناخودآگاه، نداشتن هیجان، شور و رقابت‌پذیری، ضعف خیال‌پردازی و ناتوانی در تشخیص واقعیت از خیال.

ب: موانع ادراکی خلاقیت، شامل: دیدن چیزی که انتظار آن را داریم، سختی در مجزا کردن مسئله از سایر امور، عدم تعریف دقیق و صحیح مشکل، تمایل به محدود کردن قلمرو مشکل، ندیدن مشکلی از زوایای مختلف، استفاده نکردن از حواس پنج‌گانه، اشباع (عدم ضبط همه اطلاعات ورودی به ذهن).

در این میان قالب ذهنی به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع موانع ادراکی خلاقیت عبارت است از مفروضه‌های پایه و حکم شده در ذهن، اعتقادات عمومی یا برداشت‌های کلی که ناخودآگاه بر درک و فهم ما از جهان و بر افعال و رفتار ما اثر می‌گذارد. دویونو (1986) که با نگاهی شناختی به خلاقیت، نظریه تفکر جانبی (افقی) و تفکر عمودی را مطرح کرده است معتقد است تفکر عمودی موجب ایجاد قالب‌های ذهنی و توسعه آن می‌شود در حالی که تفکر جانبی یا خلاق، ساختار این قالب‌ها را تغییر می‌دهد و قالب‌های جدیدی را ایجاد می‌کند. در

تفکر عمودی، افراد برای حل مسئله پس از کندن چاه به حفر آن ادامه می‌دهند، اما در تفکر جانبی پس از کندن چاه به محل دیگری حرکت می‌کنند و چاه دیگری می‌کنند. می‌توان گفت قالب‌های ذهنی از پنج طریق مانع خلاقیت می‌شوند که عبارتند از: قالب‌های ذهنی اجازه نمی‌دهند مشکل به صورت واقعی و درست شناسایی شوند، مشکل به نحوی درست تعریف شود، راه‌حل‌های مختلف و شق‌های مختلف را ایجاد کنیم، بهترین راه حل انتخاب شوند و یا راه‌حل‌های جدید به اجرا درآید (حسینی، ۱۳۹۰). نقش و تأثیر عوامل شناختی و قالب‌های ذهنی بر خلاقیت و به تبع آن بر موفقیت افراد و شرکت‌ها تا اندازه‌ای است که امروزه، جوهره مدیریت نوین «مدل‌های ذهنی» می‌باشد. چه بسا به همین دلیل شرکت‌های موفق و پیشروی جهان از سال‌ها قبل به اهمیت قالب‌های ذهنی پی برده و آن را سر لوحه جذب نیروی کار خود قرار داده‌اند.

انسدادهای ادراکی را نمی‌توان به طور کلی از بین برد زیرا بیشتر آنها به روش‌های گوناگون و در دوره زمانی طولانی و در نتیجه سال‌ها فرآیند ذهنی شکل‌گیری عادات به وجود آمده‌اند ولی با آگاهی از انسدادهای ادراکی می‌توانیم مهارت‌های حل مسئله را به گونه خلاق افزایش دهیم. به این خاطر، تکنیک‌های شناختی مانند تکنیک تفکر موازی^۱، تکنیک «چرا»^۲، تکنیک درنگ خلاق^۳، تکنیک پی.ام. آی^۴، تکنیک در هم شکستن مفروضه‌ها^۵، تکنیک وارونه سازی^۶ وجود دارد (آقایی فیشانی، ۱۳۸۹).

هم چنین دوبونو (قاسمی و ملک دخت، ۱۳۹۱) برای توسعه خلاقیت فکری روش‌های زیر را در قالب قانون‌هایی پیشنهاد می‌کند:

1. lateral thinking
2. Why...? Technique
3. creative pause technique
4. P.M.I
5. assumption Smashing Technique
6. Problem reversal technique

۱- قانون مبارزه: روش عادت شده را به سرعت نپذیرید، بلکه پرسش‌های متعددی را برای خود مطرح کنید و انعطاف‌پذیر باشید.

۲- قانون عدم قطعیت: سعی کنید علاوه بر آنکه همه امور را شفاف می‌سازید، ولی هیچ امری را با قطعیت پایان یافته تلقی نکنید و بگذارید راه تغییر و تحول باز باشد.

۳- قانون شکست باورهای شخصی: به منظور گسترش و توسعه عقاید باید قالب‌های ذهنی را شکست و به اطلاعات موجود خود اکتفا نکرد، زیرا نظرات دیگران می‌تواند برای ما بسیار مفید باشد.

۴- قانون جمع اضداد: از تناقض و تفاوت‌ها نهراسید. اجازه دهید از برخورد افکار، تفاوت‌ها و تناقض‌ها، فکری نو تراوش نموده و راه‌های جدید نمایان گردد.

این موانع شاید بتوانند برخی ایدئولوژی‌های جبری که از آن با عنوان تحریفات شناختی نام برده شد باشند؛ بدین منظور در پژوهش حاضر برای اولین بار به بررسی ارتباط بین تفکر قطعی نگر و خلاقیت پرداختیم و علاوه بر بررسی تأثیر تفکر قطعی نگر و مؤلفه‌های آن یعنی مطلق‌نگری، قطعی‌نگری در پیش بین آینده، قطعی‌نگری در تعامل با دیگران و قطعی‌نگری در حوادث منفی بر خلاقیت در بعد شناخت، بر آن شدیم تا بدانیم تفکر قطعی نگر و مؤلفه‌های آن در بعد عاطفه با خلاقیت هیجانی چه ارتباطی می‌تواند داشته باشد. چرا که به عقیده "بک" درمان شناختی در گسترده‌ترین حالت، از تمام رویکردهایی تشکیل می‌شود که از طریق اصلاح کردن برداشت‌های ناسالم، پریشانی روانی را برطرف می‌کند.

در دنیای پر تغییر کنونی، آموزش آفرینندگی و خلاقیت در یادگیرندگان سنگین‌ترین و مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی است به طوری که در کنفرانس‌های جهانی آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، آموزش پویا و خلاق و نوآور به عنوان کلید ورود و عبور از قرن ۲۱ توصیف شده است (صادقی مال امیری، ۱۳۸۷). هم‌چنین دنیای امروز دنیای رقابت سر خلاقیت و نوآوری است و عصر حاضر عصر خلاقیت نام گذاری شده است. بر اساس ضرورت و اهمیت خیال و ایده که مبنای تمام خلاقیت‌ها است، در سازمانها مدیران جدید به نام "مدیر

مفهوم "استخدام می‌شوند و شرایط جدید به اندازه‌ای تغییر یافته است که پیشنهاد می‌شود بسیاری از واژه‌های جدید تولید شوند. برای نمونه، بر مبنای واژه «Engineering» به معنی مهندسی از واژه «Imagineering» استفاده شود؛ به‌جای واژه «Technology» به معنی فن‌آوری، واژه «Imagology» استفاده شود و به‌جای کلمه «University» به معنی دانشگاه از واژه «Ideaversity» استفاده شود (آقایی فیشانی، ۱۳۸۹). با این حال موضوع خلاقیت هنوز جایگاه واقعی خود را نه تنها در جامعه بلکه در محافل علمی و تحقیقاتی کشور پیدا نکرده است (صمد آقایی، ۱۳۸۷). ضرورت پژوهش در زمینه خلاقیت هیجانی به اهمیت مسئله هیجان و نقش آن در سلامت و سعادت انسان نیز بر می‌گردد.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی و روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. به این شکل، که از بین ۱۱ دانشگاه دولتی شهر تهران سه دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و الزهرا و سپس از بین دانشکده‌های آنها سه دانشکده از طریق قرعه‌کشی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها توسط دانشجویانی که تمایل به همکاری داشتند پر شدند. تعداد کل نمونه این پژوهش ۲۰۰ نفر بودند که حدود ۳۰ پرسشنامه به خاطر اطلاعات ناقص کنار گذاشته شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تفکر قطعی نگر: این پرسشنامه برای اندازه‌گیری تفکر قطعی نگر که یکی از تعریفات شناختی محسوب می‌شود طراحی شده است (یونسی و میرافضل، ۲۰۰۷). این پرسشنامه دارای ۳۶ سوال است که با مقیاس لیکرت (نمره ۱ برای گزینه کاملاً موافقم تا نمره ۴ برای گزینه کاملاً مخالفم) نمره گذاری می‌شود. البته این ترتیب نمره گذاری برای پرسش‌های شماره ۸-۹-۱۱-۱۲-۱۶-۲۰-۲۱-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۶ تعیین شده و به علت جلوگیری از

انتخاب تصادفی گزینه‌ها توسط آزمودنی‌ها در مورد دیگر پرسش‌ها به شیوه معکوس (یعنی نمره ۴ برای کاملاً موافقم تا نمره ۱ برای گزینه کاملاً مخالفم) اعمال شده است.

دامنه نمرات در این آزمون بین ۳۶ و ۱۴۴ است. بدین ترتیب هر چه نمره فرد در مقیاس بالاتر باشد نشانگر میزان قطعی‌نگری بیشتر در تفکر است. این مقیاس دارای ۵ عامل در اندازه‌گیری تفکر قطعی‌نگر می‌باشد که عبارتند از تعامل با دیگران، تفکر مطلق‌نگر، پیش‌بینی آینده، حوادث منفی و تفکر قطعی‌نگر کلی.

این آزمون از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار است (یونسی، ۱۳۸۳). همبستگی آزمون افسردگی بک و تفکر قطعی‌نگر و میزان روایی همگرایی آنها ۰/۳۳ بوده است. آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی درونی آزمون ۰/۸۲ و برای پایایی در طول زمان از طریق بازآزمایی در فاصله یک هفته ۰/۸۷ بدست آمده است. همچنین سطح معناداری آزمون نیز برابر با $p < ۰/۰۵$ می‌باشد که معنادار است. نقطه برش این آزمون نیز برابر با ۷۵ است.

پرسشنامه خلاقیت عابدی: این آزمون بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت در سال ۱۳۶۳ به وسیله عابدی در تهران ساخته شد و روی یک گروه ۶۵۰ نفری از دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس تهران اجرا گردید. در سال ۱۹۸۶، عابدی و شوماخر^۱ در آمریکا به علت عدم دسترسی به نسخه اصلی، مواد آزمون را از نو ساختند. نسخه جدید آزمون بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفت و اولین بار به وسیله انیل و همکاران (۱۹۹۴) تشریح گردید.

این آزمون ۶۰ پرسش سه‌گزینه‌ای دارد که از چهار خرده‌آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است. گزینه‌ها نشان‌دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا می‌باشند که نمره یک برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده‌آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده‌آزمون، نمره کلی خلاقیت وی را نشان می‌دهد. دامنه نمره کل خلاقیت هر

1. Schumacher

آزمودنی بین ۶۰ و ۱۸۰ خواهد بود. سؤال‌های یک تا ۲۲ به سیالی، ۲۳ تا ۳۳ به بسط، ۳۴ تا ۴۹ به ابتکار و پرسش‌های ۵۰ تا ۶۰ به انعطاف‌پذیری ارتباط دارد.

پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به این ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰ (عابدی، ۱۳۷۲). ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌آزمون‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش‌آموز اسپانیایی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آمد (آزمندی و همکاران، ۱۹۹۶).

مقیاس (فهرست) خلاقیت هیجانی آوریل: در این مقیاس از ۵۰ عنوان (۳۰ عنوان با سه عامل اصلی و یک عامل پوششی و ۲۰ عنوان به عنوان ختشی) استفاده شده است. هفت مورد از عنوانها به آمادگی هیجانی - عامل جنبی یا پوششی - اشاره می‌کنند؛ برای نمونه «درباره واکنش‌های هیجانی خود می‌اندیشم و سعی می‌کنم آنها را درک کنم». چهار مورد نیز به نوگرایی تجربیات هیجانی اشاره دارد؛ برای نمونه «واکنش‌های هیجانی من متفاوت و منحصر به فرد است» یا «برای توصیف برخی از هیجانانگ که گه‌گاه احساس می‌کنم، باید یک شاعر یا رمان‌نویس بودم، زیرا این هیجانانگ بسیار منحصر به فرد هستند». پنج مورد به کارایی تجربیات هیجانی می‌پردازد؛ مثلاً «هیجانانگ مرا در دستیابی به اهداف زندگی‌ام یاری می‌دهند» و چهار مورد نهایی اصالت - اعتماد - تجربیات هیجانی را مشخص می‌کنند؛ مثلاً «سعی می‌کنم در مورد واکنش‌های هیجانانگ، حتی زمانی که برای من مشکلاتی به وجود می‌آورند، صادق باشم». آزمودنی باید بر اساس میزان موافقت خویش با هر یک از گویه‌ها نمره‌ای از ۱ تا ۵ به آنها اختصاص دهد. گاتبزال و آوریل (1996) در دو مطالعه بر روی دانشجویان روانشناسی با استفاده از ECI دریافتند که این مقیاس ثبات درونی بالا ($n=489, x=0/90$) و قابلیت آزمایش سه ماهه دارد ($n=45, r=0/91$). روائی سازه - مفهوم با این مطلب نشان داده شده است که افرادی که امتیاز بالایی را در ECI کسب کنند، قادرند به صورت بهتری هیجانانگ‌شان را به

شیوه خلاقانه هم در نوشتن و هم در نقاشی کردن بیان نمایند و این گونه افراد از لحاظ هیجانی نیز با گروه‌های هم سن خود، خلاق تر ارزیابی می‌گردند (قدیری نژادیان، ۱۳۸۳).

یافته‌های پژوهش

برای طبقه بندی کردن داده‌ها از روش آمار توصیفی، به صورت جدول و نمودار و برای بررسی روابط بین متغیرها از روش آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد. داده‌های به دست آمده از آزمودنی‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توصیف داده‌ها در نمونه کلی

تعداد	کم‌ترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	
۱۶۶	۰/۰۰	۱۱۹/۰۰	۷۵/۵۵	۲۱/۲۱	۴۴۹/۸۶	خلاقیت
۱۶۶	۰/۰۰	۱۰۹۶/۰۰	۹۳/۳۴	۸۳/۸۰	۷۰۲۲/۹۴	خلاقیت هیجانی
۱۶۶	۸/۰۰	۲۸/۰۰	۱۹/۶۴	۳/۱۰	۹/۶۳	قطعی نگری در تعامل با دیگران
۱۶۶	۷/۰۰	۲۸/۰۰	۱۳/۰۵	۳/۹۵	۱۵/۶	مطلق نگری
۱۶۶	۴/۰۰	۲۲/۰۰	۱۰/۴	۳/۳۵	۱۱/۲	قطعی نگری در پیش بینی آینده
۱۶۶	۵/۰۰	۲۴/۰۰	۹/۴۷	۳/۷۷	۱۴/۲۱	قطعی نگری در حوادث منفی
۱۶۶	۴۲/۰۰	۱۲۶/۰۰	۷۲/۷۶	۱۳/۶۶	۱۸۶/۶۰	قطعی نگری کل (جمع)

جدول ۲. ضرایب همبستگی و سطح معناداری زیر مقیاس‌های تفکر قطعی نگر با خلاقیت

متغیر	میزان ضریب (r)	سطح معناداری
قطعی نگری کل	۰/۴۰۰ **	۰/۰۰۱
قطعی نگری در تعامل با دیگران	۰/۰۵۱	۰/۱۸۹
مطلق نگری	۰/۴۰۹ **	۰/۰۰۱
قطعی نگری در پیش بینی آینده	۰/۰۵۳	۰/۶۶
قطعی نگری در حوادث منفی	۰/۳۷۱ **	۰/۰۰۱

جدول ۳. ضرایب همبستگی و سطح معناداری زیر مقیاس‌های تفکر قطعی نگر با خلاقیت هیجانی

سطح معناداری	میزان ضریب (۲)	متغیر
۰/۰۰۱	-۰/۴۷۲**	قطعی نگری کل
۰/۰۰۱	-۰/۸۶۴**	قطعی نگری در تعامل با دیگران
۰/۰۰۱	-۰/۳۹۰**	مطلق نگری
۰/۱۲۶	۰/۲۶۶	قطعی نگری در پیش بینی آینده
۰/۰۰۱	-۰/۶۸۵**	قطعی نگری در حوادث منفی

بر اساس یافته‌های موجود در جدول ۲ و ۳ بین خلاقیت با تفکر قطعی نگر کل و خلاقیت هیجانی با تفکر قطعی نگر کل و همچنین بین مؤلفه مطلق نگری و قطعی نگری در حوادث منفی با خلاقیت و نیز بین مؤلفه قطعی نگری در تعامل با دیگران، مؤلفه قطعی نگری در حوادث منفی و مطلق نگری با خلاقیت هیجانی رابطه عکس و معنی دار دیده می‌شود. برای بررسی توانایی پیش بینی خلاقیت و خلاقیت هیجانی از ضریب رگرسیون خطی استفاده شد تا در وهله نخست مشخص شود که متغیر تفکر قطعی نگر مورد مطالعه چند درصد واریانس خلاقیت و خلاقیت هیجانی را پیش بینی می‌کند و آیا این میزان در سطح معنی داری قرار می‌گیرد یا خیر و در وهله دوم مشخص شود سهم هر یک از این متغیرها در این معادله چیست؟ بررسی مدل نشان داد که مجموع واریانس تبیین شده به وسیله کل مدل ۰/۱۹ درصد است.

جدول ۴. تعیین معنی داری ضریب رگرسیون خلاقیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	میزان F	R	R2	سطح معناداری
رگرسیون	۱۴۵۳۸/۸۸۳	۵	۲۹۰۷/۷۷۷	۷/۷۹۵	۰/۴۴۳	۰/۱۹۶	۰/۰۰۱
باقی مانده	۵۹۶۸۸/۱۲۹	۱۶۰	۳۷۳/۰۵۱				

جدول ۵. تعیین معنی داری ضریب رگرسیون خلاقیت هیجانی

منبع تغییرات	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	میزان F	R	R2	سطح معناداری
رگرسیون	۱۰۳۶۷۵/۷۷۱	۵	۲۰۷۳۵/۱۵۴	۰/۳۴۴	۰/۲۹۹	۰/۰۸	۰/۰۱
باقی مانده	۱۰۵۵۱۰۹/۶۵۷	۱۶۰	۶۵۹۴/۴۳۵				

با توجه به دو جدول فوق و با تأکید بر میزان F به دست آمده می‌توان مطرح نمود که ارتباط معناداری بین خلاقیت و هم چنین خلاقیت هیجانی با مؤلفه‌های تفکر قطعی نگر در سطح معناداری $p < 0/01$ مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر توان پیش بینی خلاقیت و خلاقیت هیجانی از طریق تفکر قطعی نگر وجود دارد. برای پاسخ به این پرسش که کدام یک از مؤلفه‌های تفکر قطعی نگر توان پیش بینی تغییرات واریانس خلاقیت و خلاقیت هیجانی را دارند، به استخراج ضریب تعیین پرداخته شد که نتایج آن در ادامه می‌آید.

جدول ۶. اطلاعات مربوط به ضرایب رگرسیون و تعیین مرتب با پیش بینی خلاقیت از روی متغیرهای تفکر قطعی نگر

انواع تفکر قطعی نگر	B	خطای استاندارد برآورد	B	t	سطح معناداری	ضریب تعیین
مطلق نگری	-۱/۵۳۹	۰/۵۸۵	-۲/۶۳۳	۰/۲۸۷	۰/۰۰۹	۰/۴۳۹
قطعی نگری در حوادث منفی	-۰/۵۲۹	۰/۷۴۷	-۰/۷۰۸	-۰/۰۹۴	۰/۰۵	۰/۲۱۳

جدول ۷. اطلاعات مربوط به ضرایب رگرسیون و تعیین مرتبط با پیش‌بینی خلاقیت هیجانی از روی متغیرهای تفکر قطعی‌نگر

انواع تفکر قطعی‌نگر	B	خطای استاندارد برآورد	B	t	سطح معناداری	ضریب تعیین
قطعی‌نگری در تعامل با دیگران	-۳/۲۸۱	۲/۱۶۹	-۱/۵۱۳	۰/۱۲۱	۰/۰۳۳	۰/۷۴۴
مطلق‌نگری	-۲/۴	-۳/۶۲۱	-۰/۱۷۱	-۱/۴۷	۰/۰۱	۰/۲۶۴
قطعی‌نگری در حوادث منفی	-۲/۲۸۵	۳/۱۴۲	-۰/۱۰۳	۰/۷۲۷	۰/۴۲	۰/۵۸۹

با توجه به ضرایب رگرسیون چند متغیره با روش ورود هم‌زمان می‌توان گفت که تمامی متغیرهای فوق‌توان پیش‌بینی خلاقیت و خلاقیت هیجانی را دارند. مطلق‌نگری و قطعی‌نگری در حوادث منفی با خلاقیت رابطه معنادار مشاهده می‌شود. هم‌چنین بین زیر متغیر قطعی‌نگری در تعامل با دیگران و خلاقیت هیجانی و هم‌چنین قطعی‌نگری در تعامل با دیگران و مطلق‌نگری با خلاقیت هیجانی نیز رابطه معنادار مشاهده می‌شود. گفتنی است از آنجایی که میزان ضریب بتا برای متغیرهای فوق‌توان به ترتیب $-۱/۵۳۹$ ، $-۰/۵۲۹$ ، $-۱/۵۱۳$ و $-۰/۱۷۱$ است بنابراین می‌توان گفت متغیر مطلق‌نگری بیشترین سهم را در تبیین خلاقیت و متغیر قطعی‌نگری در تعامل با دیگران بیشترین سهم را در تبیین خلاقیت هیجانی دارد که این میزان پیش‌بینی برای مطلق‌نگری ۴۳٪ و برای قطعی‌نگری در تعامل با دیگران ۷۴٪ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که: رابطه بین تفکر قطعی‌نگر با خلاقیت معنادار است و این رابطه در ارتباط بین قطعی‌نگری با خلاقیت به صورت معکوس می‌باشد به این معنی که قطعی‌نگری بالا با خلاقیت پایین همراه است و بر عکس. از آنجا که در مورد رابطه تفکر قطعی‌نگر و خلاقیت تا به حال هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته است و این تحقیق برای اولین بار صورت می‌گیرد، بنابراین به دلیل نزدیک بودن موضوع تحریفات شناختی با سبک‌های

شناختی، می‌توان نتایج بدست آمده در فرضیه اصلی را با نتایج تحقیقات صورت گرفته در مورد تأثیر سبک‌های شناختی و سبک‌های اسنادی مقایسه کرد. بر این اساس تأیید این فرضیه با نتایج حاصل از تحقیقات باباعلی (۱۳۸۵)؛ امام‌پور (۱۳۸۰)؛ مهدوی راد (۱۳۸۱)؛ استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۰)؛ یانگ چینگ و لین وین چان (۱۹۹۴) هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیقات فوق نشان می‌دهد که بین سبک تفکر و خلاقیت رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که سبک تفکر آزاد منشانه، قضایی، کلی و قانون گذارانه با خلاقیت همبستگی مثبت و سبک تفکر محافظه کارانه و اجرایی همبستگی منفی و سبک تفکر جزئی نگر نیز با خلاقیت هیچ گونه ارتباط معناداری نداشته است. سبک تفکر قانون‌گذار نحوه‌ای از تفکر است که در آن فرد تمایل برای تدوین، برنامه ریزی، ایجاد، طراحی، ابداع و اختراع دارد و ترجیح می‌دهد که کارها را به روش خود انجام دهد. در سبک تفکر قضاوتگر تمایل به قضاوت و ارزیابی افراد و کارها وجود دارد و فرد دارای این سبک تفکر اموری که مسایل و ایده‌ها را ارزیابی و تحلیل می‌کنند علاقه‌مندند. در سبک تفکر اجرایی تمایل به پیروی از دستورات و آنچه به آنها گفته شده وجود داشته و افراد با این سبک تفکر افرادی تکمیل کننده هستند؛ از قوانین پیروی می‌کنند؛ علاقه به دریافت راهنمایی و دستورالعمل مشخص دارند. بر اساس توضیحاتی که در مورد تفکر قطعی نگر ذکر شد وجه شباهت این نوع از تفکر با سبک تفکر اجرایی مشخص می‌شود.

هم چنین تأیید شدن این فرضیه با نظریات ایس هماهنگی دارد. ایس (۱۹۵۵) که پایه نظریه‌اش بر تأثیرپذیری افکار و اندیشه‌ها و تعمیم‌پذیری آنها بنا نهاده شده؛ معتقد است که وقتی حادثه فعال کننده‌ای برای فرد اتفاق می‌افتد؛ او بر اساس تمایلات ذاتی خود ممکن است دو برداشت متفاوت و متضاد داشته باشد: یکی افکار، عقاید و باورهای منطقی و عقلانی و دیگری افکار، عقاید و برداشت‌های غیرعقلانی و غیرمنطقی. در نتیجه او معتقد است در حالتی که فرد تابع و دست‌خوش افکار و عقاید غیر منطقی قرار گیرد با عواقب غیر منطقی مواجه خواهد شد و در حالتی که فرد تابع افکار و عقاید عقلانی باشد به عواقب منطقی دست خواهد

یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت و در سایه فعالیت شدید می‌تواند خود را ارتقا بخشد و با نیروهای بالقوه خود به طور خلاق زندگی کند. ایس با صراحت بیان می‌کند که انسان‌ها گرایش فطری به سمت رشد و خود شکوفایی دارند ولی به خاطر الگوهای خودشکنی ناشی از جبرهای ایدئولوژیکی معمولاً حرکت خود را به سمت رشد خراب می‌کنند.

هم چنین پیازه (۱۹۷۴) در یکی از آثار خود اصطلاحی به نام ناهشیاری شناختی را وضع می‌کند. ناهشیاری شناختی عبارت است از مجموعه ساخت‌ها و فرایندهایی که آزمودنی از آنها آگاه نیست و تنها چیزی که از آنها می‌داند نتیجه آنهاست. از نظر پیازه ناهشیاری شناختی نه تنها در اندیشه کودکان بلکه در هر بزرگ‌سالی نیز ممکن است مشاهده شود.

پس بر اساس نظریات مطرح شده و همبستگی بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بین ذهن خلاق و ذهن سالم از تحریف شناختی ارتباط دوجانبه برقرار است و تفکر قطعی نگر می‌تواند مانعی برای بروز خلاقیت باشد. در حقیقت بر اثر تأیید این فرضیه می‌توان تفکر عاری از انحراف شناختی تساوی گونه را به عنوان ابزار و مدلی برای بروز خلاقیت در نظر گرفت.

یافته‌های پژوهش در مورد رابطه تفکر قطعی نگر و خلاقیت هیجانی نشان داد که این رابطه معنادار و به صورت معکوس می‌باشد به این معنی که قطعی‌نگری بالا با خلاقیت هیجانی پایین همراه است و بالعکس.

از آنجایی که تا به حال هیچ گونه تحقیقی به بررسی رابطه تفکر قطعی نگر با خلاقیت هیجانی نپرداخته است بنابراین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات صورت گرفته در مورد رابطه تفکر قطعی نگر با اضطراب (مؤمن زاده، ۱۳۸۳)، افسردگی (مقصود زاده، ۱۳۸۹)، سلامت روان (ره انجام، ۱۳۸۹)، وسواس (یونسی و بهرامی، ۱۳۸۸)، امید به زندگی (یونسی، اثباتی و تویسرکانی، ۱۳۸۹) و مهارت‌های زندگی نوابی‌نژاد و ملک (۱۳۹۰) مقایسه شد چرا که به نظر می‌رسد بین این متغیرها با متغیر خلاقیت هیجانی وجه مشترک وجود داشته باشد و این بررسی نشان دهنده هم‌خوانی بین نتایج بود.

هم چنین از نظر زنو که یکی از فلاسفه رواقی می‌باشد افکار و عواطف کنش‌های متفاوت و جداگانه‌ای نیستند بلکه اولاً عواطف انسان، اساساً زاده فکر او است و دوم آنکه برای تغییر و کنترل احساسات باید عقاید فرد را دگرگون کرد (آرین، ۱۳۸۵). الیس (۱۹۷۴) نیز معتقد است که شناخت‌ها، هیجاناتها و رفتارها به نحو چشمگیری بر یکدیگر تأثیر داشته و بین آنها رابطه علت و معلولی متقابل وجود دارند. او پیامدهای هیجانی را ناشی از رویداد فعال کننده نمی‌داند بلکه ناشی از باورها و اعتقادات غیرمنطقی در مورد آن رویداد می‌داند. هم چنین او معتقد است هیچ فردی به واقعیت صرف پاسخ نمی‌دهد بلکه به ادراکی که خود از آن واقعیت دارد واکنش نشان می‌دهد. در حقیقت عواطف به وسیله خود فرد و از راه زمزمه کردن عقاید نامطلوب با خود، که مسبب اصلی ناراحتی و نگرانی او هستند به وجود آمده است. از این رو تا زمانی که تفکر غیر عقلانی ادامه دارد، اختلالات عاطفی نیز به قوت خود باقی خواهند بود.

راجرز (۱۹۷۹) تحریف و یا انکار ادراک را باعث ناهماهنگی میان خود و تجربیات و ادراک سالم را موجب تطبیق و سازگاری خود با تجربیات و حرکت ارگانیزم در جهت رشد و خودشکفتگی و خودرهبری می‌داند که می‌تواند منجر به خلاقیت شود (شفیع آبادی، ۱۳۸۸). آدلر نیز واکنش‌های هیجانی و سبک زندگی اشخاص را با عقاید اساسی اشخاص در ارتباط می‌داند. در حقیقت با این نگرش است که خلاقیت هیجانی شکفته می‌شود چرا که تغییر اندیشه و شیوه‌های بی ثمر فکر کردن به فرد توانایی مبارزه و چالش با اندیشه‌ها و رفتارهای غلط و خلق هیجان جدید می‌دهد و فرد می‌تواند واکنش‌های هیجانی خود به موقعیت‌ها را تغییر دهد (شارف، ۱۳۸۴).

علاوه بر این بک در نظریه درمان شناختی که جامع‌ترین نظریه افسردگی در دنیا است اعلام می‌کند که شناخت‌های افراد افسرده با خطاهایی در منطق مشخص می‌شوند که آن را «تحریف‌های شناختی» نامیده و معتقد است وقتی که رویدادهای موقعیتی این عقاید را راه می‌اندازند الگوی افسردگی به جریان می‌افتد (اتکینسون، ۱۳۸۲). بنابراین تأیید شدن این فرضیه را می‌توان روی دیگری نظریه بک دانست و هم چنین می‌توان چنین ادعا کرد که نظریات

شناختی که اساساً هیجان را تأثیرپذیر از شناخت می‌دانند تأیید کننده فرضیه حاضر هستند بنابراین بر اساس نظریات فوق و یافته‌های پژوهش حاضر شناخت سالم پیامدهای مثبتی در پی خواهد داشت که خلاقیت هیجانی می‌تواند یکی از آنها باشد.

یافته‌های پژوهشی در مورد رابطه بین مؤلفه‌های تفکر قطعی نگر با خلاقیت نشان داد که این رابطه در مؤلفه مطلق نگری به صورت معنادار و معکوس می‌باشد، به این معنی که هرچه قدر مطلق نگری بیشتر باشد؛ خلاقیت کاهش می‌یابد و بالعکس.

در مورد ارتباط مطلق نگری با خلاقیت هیچ گونه تحقیقی صورت نگرفته است اما راجرفون اوخ در کتاب «تلنگری بر ذهن» اشاره به وجود موانعی بر سر راه خلاقیت می‌نماید و این موانع را به «قفل‌های ذهنی» تعبیر می‌کند، که ذهن افراد توسط این قفل‌ها محدود شده و حرکت آنها به سمت خلاقیت غیر ممکن می‌گردد و آن را چنین تعریف می‌کند: مفروضات پایه و حک شده در ذهن، اعتقادات عمومی یا برداشت‌های کلی که ناخودآگاه باعث دید تک بعدی شده و باعث محدودیت فکری می‌شود (نقل از حسینی، ۱۳۸۷). این قفل‌های ذهنی را می‌توان معادل مطلق نگری در نظر گرفت.

نتایج پژوهش در مورد رابطه بین مؤلفه قطعی نگری در پیش بینی آینده از تفکر قطعی نگر با خلاقیت نشان داد که رابطه معناداری بین مؤلفه قطعی نگری در پیش بینی آینده از تفکر قطعی نگر با خلاقیت وجود ندارد.

از نظر محقق علت اینکه همبستگی این دو متغیر معنادار نیست؛ می‌تواند به این صورت باشد که ممکن است شخص علاوه بر پیش بینی آینده به صورت منفی، در پیش بینی آینده به صورت مثبت نیز دچار قطعی نگری باشد که این امر از عوامل کمک کننده به خلاقیت است.

یافته‌های پژوهشی در مورد رابطه بین مؤلفه قطعی نگری در تعامل با دیگران از تفکر قطعی نگر با خلاقیت هیجانی نشان داد این رابطه معنادار و به صورت معکوس می‌باشد، به این معنی که تفکر قطعی نگر در بعدی مثل قطعیت در تعامل با دیگران هرچه قدر بیشتر باشد؛ خلاقیت هیجانی کاهش پیدا می‌کند و بر عکس.

یافته‌های تحقیق مصطفی مقصودزاده که پژوهشی به منظور پیش بینی رضایت زناشویی توسط میزان تفکر قطعی نگر و مهارت‌های ارتباطی در فرزندان شاهد و همسرانشان که در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۰ ازدواج کرده‌اند، انجام داده است؛ (اگر چنین فرض کنیم که خلاقیت هیجانی یک مهارت ارتباطی است) با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

قطعیت نگر ابعاد متفاوتی دارد که یکی از این ابعاد قطعیت نگر در تعامل با دیگران است. این بعد از قطعیت نگر ممکن است به شکل‌های مختلفی در روابط تجلی داشته باشد. به عنوان مثال اعتقاد فرد به اینکه من باید همیشه خوب عمل کنم و خود را به دیگران کاملاً با کفایت و موفق بشناسانم و در صورتی که در کارهایم دچار اشتباه و یا خطا شوم به عنوان فردی نالایق تلقی می‌شوم. یا اعتقاد فرد به اینکه لازم و ضروری است که همه افراد دیگر جامعه او را دوست بدارند، از همه عشق و صمیمیت دریافت کند، تعظیم و تکریمش کنند، و برای عملکردش او را تأیید کنند و اگر این کار را نکنند باید به سختی سرزنش یا تحقیر شوند بدون توجه به این مسئله که ممکن است شرایط روحی نامناسب ایشان است که در رفتارشان تأثیر گذاشته است. یا اعتقاد به اینکه اشخاصی که دچار اشتباه شده و یا خلاف می‌کنند ذاتاً مردمی بد یا شرور هستند این افراد قابل تغییر نیستند و در آینده نیز حتماً خطاهای بیشتری انجام خواهد دادند. هم چنین اعتقاد به مسئول بودن در برابر مشکلات و اختلالات رفتاری دیگران و نگرانی شدید در مورد آنها و درگیر کردن خود با مشکل اشخاص نیز می‌تواند یکی از تجلیات قطعی‌نگر در تعامل با دیگران باشد.

در واقع قطعیت نگر در تعامل با دیگران باعث می‌شود که افراد با تلقین این موضوع به خود که چقدر وحشتناک است که کسی طرد شود و مورد دوستی قرار نگیرد، در بن بست عاطفی قرار گیرند؛ و با این تفکر که باید همیشه مورد احترام باشد دچار کاهش خود رهبری در روابطش خواهد شد و بنابراین قدرت مدیریت هیجان‌ات و خلق یا تغییر هیجان در اشخاص کاهش پیدا خواهد کرد. در صورتی که فرد با خلاقیت هیجانی بالا می‌داند که بخش اعظم ناراحتی از درون او ناشی می‌شود و فرد می‌تواند با شناسایی موضوع و حادثه و تلقین آن به

خود عکس‌العمل‌ها و رفتارها را دگرگون کند.

یافته‌های پژوهشی در مورد رابطه بین مؤلفه‌ی قطعی‌نگری در حوادث منفی از تفکر قطعی‌نگر با خلاقیت هیجانی معنادار است و این رابطه به صورت منفی و معکوس می‌باشد، به این معنی که تفکر قطعی‌نگر در بعد قطعیت در مقابل حوادث منفی هرچه قدر بیشتر باشد؛ خلاقیت هیجانی کاهش پیدا می‌کند و بر عکس.

نتایج حاصل از تأیید شدن این فرضیه با پژوهش یونسی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. پژوهشگران یاد شده، در تحقیقی به بررسی رابطه بین اضطراب، سلامت روان و تفکر قطعی‌نگر پرداختند. در صورت فرض رابطه مستقیم بین خلاقیت هیجانی و سلامت روان نتایج حاصل از این تحقیق مؤید رابطه منفی تفکر قطعی‌نگر با خلاقیت هیجانی است.

همچنین، یونسی (۱۳۸۶) معتقد است در تفکر سالم نمی‌توان گفت الف + ب + ج + د + ... = X چرا که آنچه که مهم است احتمالات و درصد آن است. پس قطعیتی و به اصطلاح قطعیت‌گرایی وجود ندارد. تبصره‌ها و استثناءها در کار وجود دارند و انسان به خاطر تبصره‌ها و استثناءها است که امیدوار است و گرنه در مواجهه با بسیاری از حوادث نامطلوب که برای خود و دیگران بسیار اتفاق می‌افتد، باید دچار ناامیدی و افسردگی شویم. شاید رمز افراد افسرده و یا مضطرب شدن استفاده بیش از حد از این تحریف‌شناختی در زندگی است که منتهی به برهم خوردن تعادل در بیم و امید می‌گردد.

پیشنهادها:

- برگزاری جلسات مشاوره توسط مشاوران به منظور کاهش قطعیت‌نگری در تفکر و برگزاری جلساتی به منظور افزایش آگاهی دانشجویان به این نوع تحریف و آسیب‌های آن بر امور گوناگون مانند خلاقیت و هیجان.
- افزایش آگاهی والدین نسبت به مسئله تحریف‌های شناختی و تأثیرگذاری آن بر شخصیت فرزندان و آموزش روش‌های مقابله با این تحریف‌ها در فرزندان.
- پرداختن بیشتر به مسائلی مانند شناخت و تحریف‌شناختی، خلاقیت و خلاقیت هیجانی در

منابع

- اتکینسون، ریتا ل، اتکینسون، ریچارد س و هیلگارد، ارنست ر. (۲۰۰۹). زمینه روانشناسی. ترجمه محمدنقی براهنی. (۱۳۸۲). چاپ یازدهم. تهران: انتشارات رشد،
- اسبورن، الکسی اف. (۱۹۵۲). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه حسن قاسم زاده. (۱۳۶۸). تهران: نشر نیلوفر.
- افروز، غلامعلی و کامکاری، کامبیز (۱۳۸۷). هوش و خلاقیت (تاریخچه، نظریه‌ها و رویکردها). چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- آرین، خدیجه (۱۳۸۵). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- آقای فیثانی، تیمور (۱۳۸۹). خلاقیت و نوآوری با نگرش سیستمی. تهران: کتاب طلایی جامع.
- باباپور، خیرالدین (۱۳۷۸). خلاقیت: توصیف، محدودیت‌ها و روش‌های ایجاد خلاقیت. ماهنامه پیوند، ش ۲۴۱، صص. ۳۷-۴۵.
- تورنس، پال، ایبی (۱۹۶۷). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن. ترجمه حسن قاسم‌زاده. (۱۳۷۲). تهران: دنیای نو.
- چای عطری، حمید (۱۳۸۳). بررسی تأثیر سبک‌های رهبری مدیران از خلاقیت معلمان بر اساس نظرات دبیران مدارس راهنمایی منطقه ۱۳. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حاتمی، جواد (۱۳۸۸). علم شناخت در روان شناسی مدرن و گذشته فلسفی روان شناسی در ایران: (یک مطالعه تاریخی). پژوهش‌های روانشناختی، ش. ۲۳، صص. ۴۳-۵۰.
- حسینی، افضل السادات و محمودی، نورالدین (۱۳۸۷). پویایی و خلاقیت در عصر جهانی. فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۱، صص ۶-۱۱.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۵). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش. ۱۵، صص. ۱۷۷-۲۰۰.

- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۱). خلاقیت و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی هوش و سلامت روانی. رشد معلم، ش. ۸، صص. ۲۶-۲۹.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: به نشر.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۹۰). یادگیری خلاق، کلاس خلاق: شیوه‌های عملی در پرورش خلاقیت، تهران: مدرسه، چاپ چهارم.
- خداپناهی، کریم (۱۳۸۷). انگیزش و هیجان، تهران: سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دهم.
- دائمی، حمید رضا و مقیمی بارفروش، سیده فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ش ۲۳، صص ۸-۱.
- دلاور، علی (۱۳۷۸). آمار و روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: رشد.
- دوبونو، ادوارد (۲۰۰۸). ایده خلاق: ۶۲ تمرین برای پرورش ذهن، ترجمه: قاسمی، بنفشه (۱۳۹۰). تهران: قطره.
- دوبونو، ادوارد (۲۰۰۴). چگونه ذهن زیبایی داشته باشیم، ترجمه: شاپوریان، لیلا (۱۳۸۸). تهران: نشر قطره، چاپ دوم.
- دوبونو، ادوارد. خلاقیت کارآمد، مدیریت فکر، ترجمه: قاسمی نیک منش، ملک دخت (۱۳۹۱). تهران: کتاب آمه.
- ره انجام، حمیرا (۱۳۸۹). رابطه بین تفکر قطعی نگر با امید به زندگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- زارعی، صدیقه (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی با عوامل شخصیتی در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه قزوین.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۱). خلاقیت و نوآوری برای حل مشکلات، ماهنامه مطالعات مدیریت، ش ۶، صص ۱۴۲-۱۲۳.

- ساعتی، توماس ال (۲۰۰۵). تفکر خلاق، حل مشکل و تصمیم گیری، ترجمه عزیزی، مجید و نقدی، رضا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی (چاپ هفدهم). تهران: آگاه
- شارف، ریچارد اس (۱۹۹۹). نظریه‌های روان درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۴). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۸). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهاردهم.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی ال (۱۹۹۵). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۴). تهران: مؤسسه نشر ویرایش، چاپ هفتم.
- شهرآرای، مهرناز و مدنی‌پور، رضا (۱۳۷۶). ترغیب و آموزش خلاقیت در سازمان‌های پویا. فصلنامه دانش مدیریت، ش ۳۷، صص ۱۰۳-۸۳.
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۸۶). خلاقیت: رویکردی سیستمی؛ فرد، گروه، سازمان. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۳). خلاقیت. تهران: نشر جامی.
- فهیمی راد، زهرا (۱۳۸۹). بررسی رابطه تفکر قطعی نگر با نگرش مذهبی و نگرش نسبت به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علوم بهزیستی تهران.
- قاسم زاده، حسن (۱۳۸۱). آموزش کاربردی خلاقیت و حل خلاق مسائل، تهران: قصیده سرا.
- قدیری نژادیان، فاطمه (۱۳۸۷). بررسی هنجاریابی مقدماتی مقیاس خلاقیت هیجانی ECI بر روی دانشجویان روزانه دانشگاه‌های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- کری، جرال (۲۰۰۹). نظریه و کاربرست مشاوره و روان درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۹). تهران: ارسباران.
- گلמן، دانیل (۲۰۰۷). هوش اجتماعی (علم جدید). ترجمه حمیدرضا بلوچ (۱۳۸۸). تهران: نشر جیحون.

- گلمن، دانیل (۲۰۰۰). هوشمندی احساسی و دلیل برتری آن بر بهره هوشی. ترجمه: پریچهر فرجادی (۱۳۸۳). تهران: آئین تفاهم، چاپ اول.
- متین نفس، فرهاد. (۱۳۸۳). خلاقیت و پارادایم های ذهنی منسوخ، فصلنامه تدبیر، ش. ۱۴۸، ص ۵۹-۵۸. هارولد. دبلیو. برنارد. خلاقیت و حل مشکل. ترجمه شکرالله نجفی. ماهنامه رشد معلم، ش. ۱۴۵، صص. ۴۰-۴۸.
- هاوتون، کرک و کلارک و سالکووسل، کیس (۲۰۰۱). رفتاردرمانی شناختی. ترجمه حبیب الله قاسم زاده (۱۳۸۹). چاپ هشتم. تهران: انتشارات ارجمند.
- یونسی، سید جلال (۱۳۸۶). افسردگی: تأثیر شناخت در ابتلا به افسردگی. تهران: قطره.
- یونسی، سید جلال و شیر، زهره (۱۳۸۲). درمان ناهنجاری های روانی در کودکان، نوجوانان و خانواده ها. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- یونسی، سید جلال (۱۳۸۳). شناخت یا هیجان: در کجا شناخت درمانی به بن بست می رسد؟ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- Averill, J.R. (1999). Creativity in the Domain of Emotion. In T. Dalgleisha M. (Ed.) Handbook of Cognition and Emotion, (pp.765-782). Wiley.
- Averill, J.R. (1991). Emotional creativity. *International Journal of Studies on Emotion*, 107 (1): 169-199.
- Gibz, N. (1995) . Emotional Quotient in Job. *Journal of Sociological Review*, 46(4): 59-67.
- Debono, E. (1986/1971). Practical thinking: Ways to be right.5 ways to be wrong, 5 ways to understand. London: Penguin Book.
- Debono, E. (2007). How to Have Creative Ideas: 62 Exercises to Develop the Mind. *Journal of Mental Imagery*, 19 (1): 83-90.
- Guilford, J. P. (1952). Creativity. *Journal of American Psychological Association*. 22(6): 16-31.
- Torrance. E. P. (1967). Scientific Views of Creativity. New York: McGraw-Hill.